

# قلب زمین (۱)

(فهرست تفصیلی مفاهیم آیات مربوط به کعبه)

محمد مهدی فیروز مهر

مقدمه

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْيَمِينَةَ الْحَرَامَ قِيَاماً لِلنَّاسِ...﴾؛ «خداوند، کعبه - بیت الحرام - را وسیله‌ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داد.» (مانده: ۹۷)

افراد و اجتماعی دارای حیات انسانی هستند که قرآن بر افکار، رفتار و کردارشان حاکم و این کتاب الهی امام و الگوی آنها باشد:

﴿...إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَ قُرْآنٌ مُبِينٌ \* لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَ يَحَقِّقَ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾؛ «(این کتاب آسمانی) فقط ذکر و قرآن مبین است تا افرادی را که زنده‌اند بیم دهد (و بر کافران اتمام حجت شود) و فرمان عذاب بر آنان مسلم گردد.» (یس: ۶۹ و ۷۰)

امتی به‌بهترین راه هدایت دست یافته است که قرآن امام و پیشوای آن باشد: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْسَمُ...﴾؛ «این قرآن به راهی که استوارترین راهها است هدایت می‌کند.» (اسرا: ۹)

جوامعی از بیماری روحی و روانی رنج نمی‌برند که نسخه و دستور العمل آنان قرآن باشد:

«وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»؛ «و از قرآن آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید.» (اسرا: ۸۲)

ملتی از ملل دنیا و جهان اسلام پویا، مطرح و زنده و نزد صاحب قرآن معروف و شناخته شده‌اند که قرآن نزد آنان مهجور و متروک نباشد:

«وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا...»؛ «و پیامبر عظیم‌القدر فرمود:

پیامبر عرضه داشت: پروردگارا! قوم من قرآن را رها کردند.» (فرقان: ۳۰)

و بالآخره افراد و گروهی از مردمان در تاریکی‌های شبهات فکری و فرهنگی سرگردان و بی‌پناه نمی‌شوند که چراغ هدایتشان قرآن باشد. پیامبر ﷺ فرمود:

«فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمَظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ»<sup>۱</sup>.

«هرگاه فتنه‌ها مانند پاره‌های شب تاریک بر شما روی آورد، بر شما باد به قرآن.»

(المیزان، ج ۱، ص ۱۲)

سالانه هزاران بلکه میلیونها انسان مؤمن از سراسر دنیا برای زیارت خانه خدا و انجام حج و عمره و زیارت قبور اولیای خدا رهسپار سرزمین وحی (مکه مکرمه و مدینه منوره) می‌شوند تا شاهد بهره‌های سرشار مراسم و موسم حج ابراهیمی باشند. از زمان ابراهیم خلیل علیه السلام تا کنون، که بیش از چهار هزار سال می‌گذرد، همواره حج و زیارت خانه خدا رایج و دایر بوده است. آنچه از امور حج توسط ابراهیم خلیل علیه السلام پایه‌گذاری شده، در تاریخ، به «حج ابراهیمی» شهرت یافته که ویژگی عمده آن عبارت است از منطبق و همسان بودن با فطرت و نیاز واقعی انسان و پیراسته بودن از اوهام و خرافات کور و دست و پاگیر؛ اما به تدریج در کنار حج ابراهیمی به‌جای آن، حج دیگری پدید آمد که نه منطبق با فطرت و نیاز واقعی انسان بود و نه عاری از اوهام و خرافات. این نوع حج در فرهنگ اسلامی، به «حج جاهلی» شهرت یافت. در اینجا مناسب است به چند نمونه از آموزه‌های حج جاهلی اشاره شود:

در حج جاهلی، به جای خدا و توحید، شرک و بت و انصاب محور بود. (حج: ۳ و ۳۱)

در حج جاهلی، حج گزار، لخت و عریان و با سوت و کف خانه خدا را طواف می کرد. (اعراف: ۲۸؛ انفال: ۳۵)

در حج جاهلی، کسانی که محرم می شدند، نمی بایست از در و راههای معمول وارد خانه شوند، بلکه نقبی در پشت خانه می زدند و از آن آمد و شد می کردند و این به عنوان یک کار نیک برایشان مطرح بود. (بقره: ۱۸۹)

در حج جاهلی، مشرکان حج گزار پس از انجام حج، در سرزمین مناجع می شدند و به جای ذکر خدا، به بیان آثار و مفاخر پدران خود می پرداختند. (بقره: ۲۰۰) و...

در اینجا این پرسش مطرح می شود که منشأ پیدایش اینگونه حج گزار، چه بود؟ پاسخ قرآن کریم این است که چون آنها دستشان از وحی و معارف آسمانی تهی بود، به چنین حجی روی آوردند؛ (بقره: ۲۰۰)

آنچه حج جاهلی را نسخ و حج ابراهیمی را احیا کرد، قرآن و سنت پیامبر ﷺ و تلاش جانشینان آن حضرت بود. امروز هم اگر در عرصه حج و دیگر عرصه های زندگی، از قرآن و سنت پیامبر ﷺ و رهبری امامان معصوم ﷺ فاصله بگیریم، مانند گذشتگان، به حج مرده و بی روح و حج جاهلی مبتلا خواهیم شد؛ چرا که عمل هر فرد و جامعه ای، بازتاب شاکله و شخصیت (افکار و پندار و خلق و خوی) اوست:

﴿قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ﴾: «(ای پیامبر) بگو: هر کس بر طبق روش و خلق و خوی خود عمل می کند» (اسرا: ۸۴)

و از سوی دیگر، عمل پاک و طیب، نشانه شاکله و شخصیت پاک و طیب است و عمل پلید و خبیث، نشانه شاکله و شخصیت پلید و خبیث است: ﴿وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا...﴾؛ «سرزمین پاکیزه (و شیرین) گیاهش به فرمان پروردگار می روید، اما سرزمین های بد طینت (و شوره زار) جز گیاه ناچیز و بی ارزش، از آن نمی روید» (اعراف: ۵۸)

بنا بر این، افراد و اجتماعی که دارای شاکله و شخصیت قرآنی (که پاکترین و کامل‌ترین شاکله و شخصیت است) باشند، اعمالشان، و از جمله حجشان، پاک و طیب خواهد بود و به هر اندازه از قرآن فاصله بگیرند، به همان اندازه، دارای شاکله و شخصیت و به تبع آن، اعمال و رفتار پلید و خبیث خواهند شد.

**تحول آفرینی از وجوه تشابه «قرآن» و «حج» است:**

قرآن، نازل شد که بناهای فکری و عملی فرسوده و کهنه بشر دور از معارف الهی را در عرصه‌های مختلف، از جمله در عرصه حج، ویران کند و به جای آن، بناهای فکری و عملی کارآمد و نو بسازد و چنین کرد.

و حج، برای این است که حج‌گزار با حضور در مسجد الحرام و کنار خانه خدا و اماکن مقدس و با انجام مناسک حج، سازمان فکری و عملی خویش را تغییر دهد و تعالی و تکامل بخشد که از نمونه‌های تغییر و تکامل حاصل شده از حج، آنگونه که قرآن<sup>۲</sup> و روایات گفته‌اند، این است که حج‌گزار واقعی، از حج بر می‌گردد، بدون اینکه گناهی بر ذمه‌اش مانده باشد و حج، تنها زمانی تحول آفرین است که قرآنی باشد و حج قرآنی جز در سایه انس و الفت با قرآن حاصل نمی‌شود و انس و الفت با قرآن، ارتباط مستقیم و مکرر با این کتاب نورانی است و از شروط ارتباط مستقیم با قرآن، دانستن زبان آن است که این شرط برای بسیاری از علاقه‌مندان به قرآن حاصل نیست؛ و لذا لازم است معارف قرآن در موضوعات مختلف؛ از جمله موضوع حج و امور مربوط به آن، به نحو شایسته تدوین شود و در اختیار عموم قرار گیرد و این نوشته با تمام نقضی که دارد، تلاشی است در این راستا.

**تذکر چند نکته:**

۱. در این نوشته تلاش شده است، تمام معارف قرآنی، که در ارتباط با شش موضوع «کعبه»، «مسجد الحرام»، «مکه»، «حرم»، «حج» و «عمره»\* است،

\* لازم به گفتن است که به موضوع مسجد الحرام، مکه، حرم، حج و عمره در شماره‌های بعد خواهیم پرداخت.

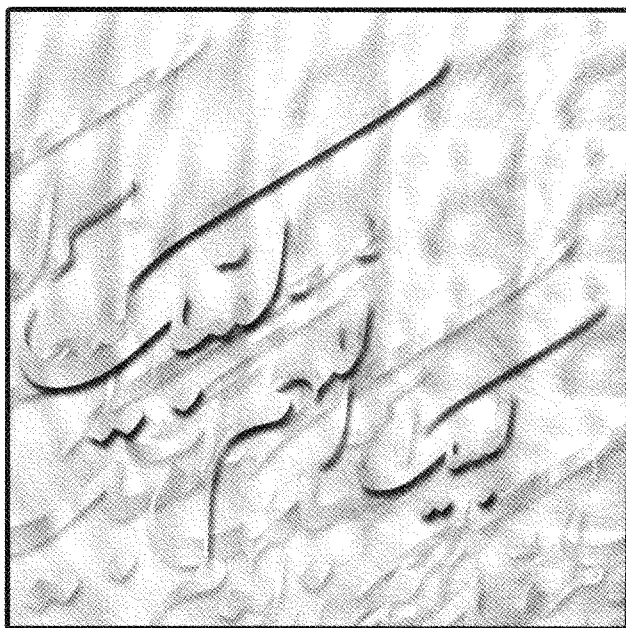
یک جا گردآوری و طبقه‌بندی شود و برای آسانتر دست یافتن به مطالب، موضوعات آن - جز مناسک حج که به ترتیب واقعی، از احرام تا طواف نساء آمده - طبق نظام الفبایی تنظیم گردیده است.

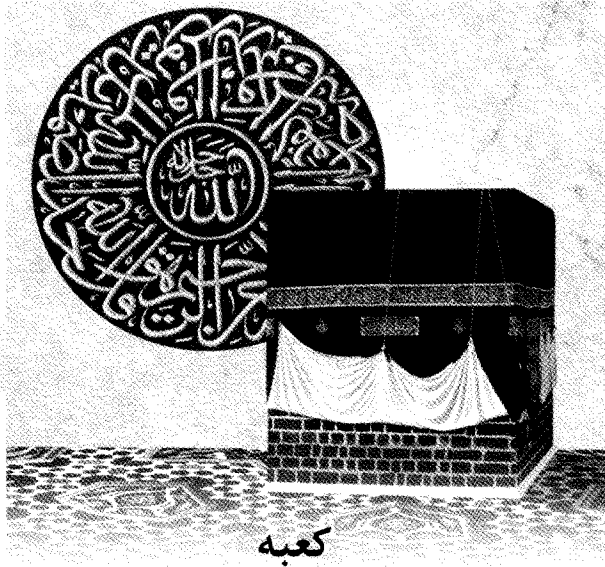
۲. افزون بر آنچه که از صریح و ظاهر آیات مربوط به شش موضوع پیشگفته استفاده شده، برخی احتمالات تفسیری نیز همراه با توضیح و ذکر منابع، منعکس گردیده است.

۳. از روایات مربوط به معارف حج، تنها روایاتی مورد استفاده قرار گرفته است که در تفسیر آیات مربوط به شش موضوع بالا وارد شده و در آنها به نحوی به آیات مورد نظر، استشهاد و یا اشاره گردیده است.

۴. برای اینکه استفاده از این مجموعه برای همگان میسر باشد، در موارد لازم، چگونگی استفاده مطلب از آیه مورد نظر، توضیح داده شده است.

۵. در این نوشته، از تفسیر گرانسنگ «راهنما» بهره بسیار برده‌ایم. در برخی موارد متن و توضیح، عیناً از آن تفسیر آمده و گاهی مطلب با اندکی تغییر و اصلاح، منتقل شده است.<sup>۳</sup>





کعبه

### آثار کعبه

□ کعبه، دارای خیر و برکت فراوان برای عموم مردم:

(آل عمران: ۹۶)

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا...﴾

□ کعبه، مایه هدایت برای همه جهانیان:

(آل عمران: ۹۶)

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾

هدایتگری کعبه از آن رو است که این خانه در اصل برای پرستش خدا ایجاد گردیده و انواع مناسک و طاعات خدا در ارتباط با آن تشریح شده است و انسان به واسطه پرستش خدا در اطراف و سمت کعبه و انجام آن مناسک و طاعات، به کرامت و قرب خدا و سعادت و بهشت دست می‌یابد.

□ کعبه، مایه پویایی و دوام زندگی و مانع هلاکت و نابودی انسان‌ها:

(مانده: ۹۷)

﴿جَعَلَ اللهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ...﴾

از اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده است که در تفسیر آیه بالا فرمودند: «مادام که کعبه وجود داشته باشد و مردم به سویش روند و حج بگزارند، نابود نمی‌شوند و هرگاه کعبه نابود شود و مردم حج را ترک کنند، نابود خواهند شد.»

(مجمع البیان، ذیل آیه)

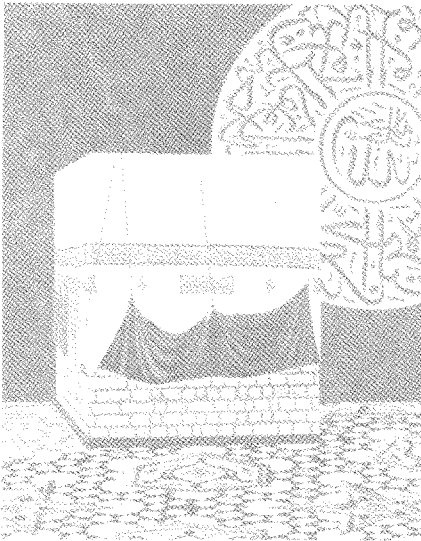
امام صادق علیه‌السلام فرمود: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ»؛ «تا زمانی که کعبه

(وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۴)

برپاست، دین نیز پایدار است.»

و نیز ر. ک: «نقش کعبه»

## امنیت کعبه



☐ امنیت داشتن همه پناهندگان به خانه

خدا، حتی غیر انسان‌ها:

﴿وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ

أَمْنًا...﴾. (بقره: ۱۲۵)

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِّلنَّاسِ لِلَّذِي بِبَكَّةَ

...وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا...﴾.

(آل عمران: ۹۶ و ۹۷)

تقید واژه «مَثَابَةً» به وسیله «النَّاسِ» و

مقید نشدن «أَمْنًا» با آن، گویای این نکته

است که در خانه خدا هرکس و هر چیزی در امنیت است.

☐ ضرورت ایجاد امنیت برای حاضران در محیط خانه خدا و حراست آنان از هرگونه

آسیب و گزند:

﴿وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا...﴾.

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِّلنَّاسِ لِلَّذِي بِبَكَّةَ... وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا...﴾. (آل عمران: ۹۶ و ۹۷)

برداشت، بنابراین احتمال است که جمله خبریه در مقام انشا باشد.

☐ تعیین کعبه به عنوان محل امن برای همگان، نعمتی شایسته و بایسته به یادداشتن:

﴿وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا...﴾.

(بقره: ۱۲۵)

و «إِذْ» در اصل «و اذکر اذ...» و به معنای «به یاد آور هنگامی را که...» است.

☐ امنیت کعبه، از آیات روشن الهی:

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِّلنَّاسِ لِلَّذِي بِبَكَّةَ... فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَ

لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ...﴾.

(آل عمران: ۹۶ و ۹۷)

مرحوم علامه طباطبائی، افزون بر «مقام ابراهیم»، «امنیت و حج خانه خدا» را هم از

مصادیق «آیات بیّنات» می‌داند.

☐ امنیت و اقتصاد قریش، در سایه امنیت کعبه:

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ \* أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ \* وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ

طَيَّرَ أَبَابِيلَ \* تَزْيِيمِهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ  
سَبْجِيلٍ \* فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ  
مَأْكُولٍ ﴿٥-١﴾ (فیل: ۵-۱)

﴿لَا يَلْفَاقُ قُرَيْشٍ \* إِلَّا فِيهِمْ رِخْلَةَ  
الشَّيْءِ وَالصَّيْفِ \* فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا  
الْبَيْتِ \* الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ  
آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾. (قریش: ۴-۱)

### ایجاد کعبه

□ کعبه، خانه مقدس و ایجاد شده از

سوی خدا:

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْيَتِيمَ  
الْحَرَامَ...﴾. (مائده: ۹۷)

برای «جَعَلَ» در این آیه، چند معنا ذکر شده است: بین و حکم، صبر، خلق (روح المعانی، ذیل آیه)، و نصب (مجمع البیان، ذیل آیه). برداشت، بر اساس دو معنای اخیر است.

### فلسفه ایجاد کعبه

□ شناخت هر چه بیشتر خدا و پی بردن به علم بی نهایت او، فلسفه ایجاد کعبه و قرار دادن آن به عنوان خانه مقدس و مرکز قیام و قوام زندگی مردم از سوی خداوند:

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْيَتِيمَ الْحَرَامَ قِيَاماً  
لِلنَّاسِ... ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا

فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ أَنَّ  
اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾. (مائده: ۹۷)

معنای این آیه و وجه این برداشت،

با توجه به آیه ۱۲ سوره طلاق - که به طور کلی فلسفه خلقت را پی بردن به علم و قدرت بی نهایت خداوند معرفی می کند - : «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً﴾ واضح و روشن است.

### بانیان کعبه

□ ابراهیم علیه السلام بنا کننده اصلی کعبه و اسماعیل علیه السلام یاور و کمک کار او در بنای آن: ﴿وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْمَاعِيلُ...﴾. (بقره: ۱۲۷)

عطف کردن فاعلی بر فاعل دیگر، پس از آوردن فاعل نخست و متعلقات فعل - چنانکه در آیه بالا این گونه است - می تواند اشاره به تفاوت آن فاعل در انجام کار باشد. این برداشت را، علاوه بر آیه ۲۶ سوره حج، روایت امام صادق علیه السلام نیز که فرمود: «ابراهیم علیه السلام خانه را بنا کرد و اسماعیل علیه السلام از ذی طوی سنگ آورد...» تأیید می کند.<sup>۴</sup>

□ توجه و خلوص کامل بنا کنندگان کعبه



(ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام) به خداوند، هنگام بنای آن:

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾. (بقره: ۱۲۷)

□ دعا و راز و نیاز بانیان کعبه (ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام) با خداوند، هنگام ساختن آن:

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ \* رَبَّنَا وَ

اجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ... \* رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ﴾. (بقره: ۱۲۹-۱۲۷)

□ فرمان یافتن پیامبر صلی الله علیه و آله از جانب خداوند، بر یادآوری و بزرگداشت بنیانگذاران کعبه

(ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام):

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ...﴾. (بقره: ۱۲۷)

«و اذ» در اصل «و اذکر اذ...» بوده است.

□ ابراهیم علیه السلام مجدد و معمار بنای کعبه:

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ...﴾. (بقره: ۱۲۷)

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ...﴾. (حج: ۲۶)

□ تجدید بنای کعبه توسط ابراهیم خلیل علیه السلام، واقعه‌ای بس مهم و شایان یاد آوری:

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ...﴾. (بقره: ۱۲۷)

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ...﴾. (حج: ۲۶)

## بنای کعبه

□ کعبه بنایی ساخته شده بر اساس توحید محض:

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكَ بِي شَيْئًا...﴾. (حج: ۲۶)

□ کعبه بنایی ساخته شده بر اساس نقشه خداوند و معماری ابراهیم علیه السلام:

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ...﴾. (حج: ۲۶)

□ ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام برپاکننده دیوارهای کعبه و سازنده آنها:

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ...﴾. (بقره: ۱۲۷)

□ دعا و درخواست‌های ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام از خداوند، هنگام بنای کعبه:

۱. پذیرش عمل بنای کعبه ۲. رسیدن به مقام تسلیم محض در برابر خدا ۳. آموزش

مناسک حج به آنان ۴. پذیرش توبه ایشان ۵. پدید آمدن امتی فرمانبردار در برابر خدا، از

میان نسلشان ۶. بعثت پیامبری از میان ایشان، به هدف تلاوت آیات الهی بر آنان، تعلیم کتاب و حکمت به ایشان و تزکیه آنان:

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا... \* رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا... \* رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ...﴾.

(بقره: ۱۲۹-۱۲۷)

☐ توجه ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام به اسماء و صفات الهی «رب، سمیع، علیم، تواب، رحیم، عزیز و حکیم»، در دعاهای خود، هنگام بنای کعبه:

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا... إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ \* رَبَّنَا... إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ \* رَبَّنَا... إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ \* رَبَّنَا... إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾.

(بقره: ۱۲۹-۱۲۷)

☐ کعبه، بنایی بر اساس تقوا، پاکی و به دور از هرگونه آلودگی‌های ظاهری و باطنی:

﴿...وَ عَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي...﴾.

(بقره: ۱۲۵)

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهَّرْ بَيْتِي...﴾.

(حج: ۲۶)

ممکن است مقصود از تطهیر خانه خدا، بنای آن بر اساس طهارت و به دور از هرگونه شرک و بی‌تقوایی باشد

(مجمع البیان، ذیل آیه ۱۲۵ بقره)

### تطهیر کعبه

☐ تطهیر کعبه و مصون داشتن آن از هر ناپاکی و آلودگی، عهد و فرمان خدا به ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام:

﴿...وَ عَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي...﴾.

(بقره: ۱۲۵)

☐ تطهیر خانه خدا از لوث و وجود مشرکان، فرمان خدا به ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام:

﴿...وَ عَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي...﴾.

(بقره: ۱۲۵)

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «طَهَّرَا بَيْتِي» یعنی مشرکان را از خانه من دور کنید.

(تفسیر قمی و مجمع البیان، ذیل آیه).

☐ ابراهیم خلیل علیه السلام مسؤول اصلی تولیت، تطهیر و آماده‌سازی کعبه برای زائران:

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ

السُّجُودِ﴾.

(حج: ۲۶)

از اینکه در سوره بقره، حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام مأمور تطهیر کعبه شدند و در این آیه تنها ابراهیم خلیل علیه السلام مأمور به چنین امری شده، می توان گفت که: ابراهیم مسؤول اصلی این کار و اسماعیل علیه السلام کمک کار او بوده است.

### توطئه انهدام کعبه

□ توطئه و لشکر کشی اصحاب فیل (ابرهه و یاران او) برای انهدام کعبه و عقیم ماندن آن از سوی خداوند:

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ \* أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ \* وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ \* تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ \* فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ».

(فیل: ۵-۱)

□ ناکامی توطئه انهدام کعبه و نابودی لشکر فیل سواران، به واسطه سنگ باران دسته های پرنده، واقعه ای شگفت آور و تأمل انگیز:

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ \* أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ \* وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ \* تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ \* فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ».

(فیل: ۵-۱)

□ توطئه انهدام کعبه و شکست آن، امری کاملاً معروف و شناخته شده برای مردم عصر نزول قرآن:

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ \* أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ \* وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ \* تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ \* فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ».

(فیل: ۵-۱)

از «أَلَمْ تَرَ؟» «آیا ندیدی»، استفاده می شود که این ماجرا در آن عصر امری مسلم و شناخته شده بود.

### جهانی بودن کعبه

□ کعبه، خانه مقدس خدا و مرکز جهانی برای عموم مردم و تمام قشرها و گروهها، نه فقط برای مؤمنان:

«وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنَا ...».

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِّلنَّاسِ لِلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ».

(آل عمران: ۹۶)

«جَعَلَ اللهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِّلنَّاسِ ...».

(مائده: ۹۷)

## خدمتگزاران کعبه

تطهیر و مصون نگاه داشتن کعبه از هر ناپاکی و آلودگی، وظیفه خدمتگزاران کعبه:

﴿...وَعَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي...﴾ (بقره: ۱۲۵)

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهَّرْ بَيْتِي...﴾ (حج: ۲۶)

کار تطهیر و... کعبه منحصر به جناب ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام نبوده؛ بلکه وظیفه همه خدمتگزاران کعبه است.

مهیا کردن و آماده سازی کعبه برای طواف کنندگان، معتکفان و نمازگزاران، وظیفه خدمتگزاران کعبه:

﴿...وَعَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ (بقره: ۱۲۵)

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ... وَطَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ (حج: ۲۶)

ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام دو خدمتگزار کعبه به فرمان خداوند:

﴿...وَعَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي...﴾ (بقره: ۱۲۵)

## خدمتگزاری کعبه

خدمتگزاری کعبه، منصبی الهی و امری بس مهم:

﴿...وَعَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي...﴾ (بقره: ۱۲۵)

**از اینکه خدمتگزاران کعبه از سوی خدا تعیین شدند و به جای «امرنا»، «عهدنا» به کار رفته است، استفاده می شود که اولاً: خدمتگزاری کعبه منصبی الهی است و ثانیاً: امری مهم است.**

از اینکه خدمتگزاران کعبه از سوی خدا تعیین شدند و به جای «امرنا»، «عهدنا» به کار رفته است، استفاده می شود که اولاً: خدمتگزاری کعبه منصبی الهی است و ثانیاً: امری مهم است.

خدمتگزاری کعبه عهد خداوند با ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام :

﴿...وَعَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي...﴾ (بقره: ۱۲۵)

## زائران کعبه

□ زائران خانه خدا دارای احترام و قداست ویژه در پیشگاه خداوند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ... وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَتَفَعُونَ فَضْلاً مِنْ رَبِّهِمْ وَ رِضْوَاناً﴾.  
(مائده: ۲)

□ زائران کعبه (اعم از طواف کنندگان، معتکفان و نمازگزاران) دارای مقامی ارجمند در نزد خداوند:

﴿...وَ عَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾.  
(بقره: ۱۲۵)

﴿وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً وَ طَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾.  
(حج: ۲۶)

از اینکه پیامبرانی بزرگ همچون ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام مأمور آماده سازی خانه خدا برای زائران کعبه بودند، می توان استفاده کرد که زائران کعبه مقامی ارجمند دارند.

□ ضرورت ایجاد امنیت برای زائران کعبه:

﴿وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ آمناً...﴾.  
(بقره: ۱۲۵)

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ... وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمناً...﴾.  
(آل عمران: ۹۶ و ۹۷)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ... وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ...﴾.  
(مائده: ۲)

□ ضرورت آماده سازی خانه خدا برای زائران آن:

﴿...وَ عَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾.  
(بقره: ۱۲۵)

﴿وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً وَ طَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾.  
(حج: ۲۶)

از اینکه پیامبرانی بزرگ همچون ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام مأمور آماده سازی خانه خدا برای زائران کعبه بودند، می توان استفاده کرد که زائران کعبه مقامی ارجمند دارند.

❑ حالات سه گانه زائر حاضر در اطراف کعبه: طواف، اعتکاف

(روی آوردن به کعبه همراه با توجه و مراقبت) و نمازگزاردن:

«...طَهَّرًا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ». (بقره: ۱۲۵)

«...و طَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ». (حج: ۲۶)

مرحوم طبرسی از برخی مفسران نقل کرده است که: مقصود

از: «...لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» سه گروه مختلف نیست،

بلکه زائر خانه خدا وقتی طواف نماید از «الطائفین» است و هرگاه

در اطراف کعبه بنشیند (و به آن بنگرد) از «العاکفین» است و

هنگامی که نمازگزارد، از «الرکع السجود» خواهد بود. (مجمع البیان،

ذیل آیه ۱۲۵ بقره)

❑ لزوم پرهیز از هتک حرمت زائر خانه خدا، حتی در صورت

شرک و بت پرستی او:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ... وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ

يَسْتَعُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا». (مانده: ۲)

در شأن نزول آیه آمده است که: گروهی از مشرکان برای

عمره و زیارت خانه خدا راهی مکه بودند و مسلمانان خواهان

هجوم به آنان شدند، در آن هنگام، این آیه نازل شد. (مجمع البیان،

ذیل آیه)

جمله «...وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ...» این معنا را تأیید می کند. البته این

یک دستور موقت بود و در سال نهم هجرت، مشرکان به حکم آیه

۲۸ سوره توبه از نزدیک شدن به مسجد الحرام ممنوع شدند.

## زیارت کعبه

❑ کعبه، محل زیارت مکرر و پیایی مردم:

«وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ...». (بقره: ۱۲۵)

«مَثَابَةً» از ثوب، به معنای رجوع کردن است و مثابه بودن خانه



خدا معنایش این است که مردم مکرر به آنجا رجوع می‌کنند. (ر.ک: مجمع البیان، ذیل آیه)  
 □ تصمیم پیامبر خدا ﷺ و یاران او به زیارت خانه خدا در سال ششم هجری و ممانعت  
 مشرکان از آن:

﴿هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَجَلَّةً...﴾. (فتح: ۲۵)  
 □ زیارت کعبه در دو شکل حج و عمره:  
 ﴿...فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ...﴾. (بقره: ۱۵۸)

### رؤیای زیارت کعبه

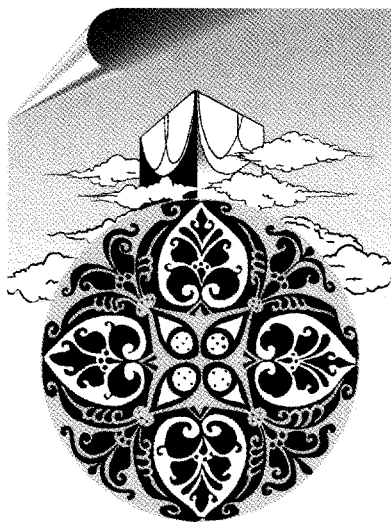
□ رؤیای پیامبر خدا ﷺ در باره ورود به مسجدالحرام و زیارت کعبه توسط وی و یارانش  
 (در سال ششم هجرت):

﴿لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُسَكُمْ وَ  
 مُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ...﴾. (فتح: ۲۷)

□ شک و تردید منافقان در مورد صادق بودن خواب پیامبر ﷺ در باره زیارت کعبه  
 و انجام عمره و تأکید خداوند بر حقانیت و تحقق آن:

﴿لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُسَكُمْ وَ  
 مُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ...﴾. (فتح: ۲۷)

مفسران نقل کرده‌اند که پیامبر  
 خدا ﷺ در سال ششم هجرت، پیش از  
 حرکت به سوی حدیبیه، در عالم رؤیا  
 دیدند که مسلمانان وارد مسجدالحرام  
 شدند. حضرت خوابش را برای یاران  
 گزارش کردند و آنان خوشحال و امیدوار  
 شدند که در آن سال وارد مکه خواهند  
 شد، اما پس از حرکت به سوی حدیبیه و  
 منتهی شدن این سفر به صلح حدیبیه و  
 بازگشت مسلمانان به مدینه، بدون زیارت



کعبه، منافقان گفتند ما نه وارد مسجدالحرام شده ایم و نه عمره انجام داده ایم و در پی این گونه شبهه افکنی های آنها، آیه فوق نازل شده است (مجمع البیان، ذیل آیه)

□ صلح حدیبیه تدبیر خداوند و زمینه ساز تحقق رؤیای پیامبر ﷺ در باره زیارت کعبه و ورود مؤمنان به مسجدالحرام با امنیت و آرامش:

﴿لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُسَكُمْ وَ مُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ (فتح: ۲۷)

### سابقه تاریخی کعبه

□ کعبه نخستین خانه بنا شده برای مردم جهت عبادت و پرستش خداوند:

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ...﴾ (آل عمران: ۹۶)

این برداشت بر اساس ظاهر آیه و طبق روایاتی است که می گوید موضع کعبه اولین نقطه از زمین بود که بر روی آب آشکار شد و زمین از آنجا گسترش یافت و نیز طبق روایاتی است که پیدایش کعبه را مرتبط و مقارن با هبوط آدم ﷺ به زمین می داند. (مجمع البیان، ذیل آیه؛ الحج و العمرة فی الكتاب و السنة، ص ۷۶، ح ۱۳۳)

□ وجود کعبه در زمان آدم ﷺ و برپایی حج در آن، توسط وی:

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ...﴾ (آل عمران: ۹۶)

از امام باقر ﷺ پرسیدند آیا پیش از بعثت پیامبر اسلام ﷺ حج گزارده می شد؟ حضرت فرمود: آری... آدم، نوح و سلیمان ﷺ در خانه خدا حج گزاردند... همانگونه که خدای تعالی می فرماید: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ...﴾ (تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۶، ح ۹۲)

□ وجود پایه ها و اساس کعبه پیش از بنای دیوارهای آن توسط ابراهیم و اسماعیل ﷺ:

﴿وَ إِذِ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْمَاعِيلُ...﴾ (بقره: ۱۲۷)

از اینکه بالا بردن و ساختن دیوارهای کعبه به ابراهیم و اسماعیل ﷺ نسبت داده شده ولی بنای پایه و اساس به ایشان نسبت داده نشده، چنین بر می آید که: اساس و پایه ها از دیر باز وجود داشته است. این برداشت را روایت امام صادق ﷺ تأیید می کند که فرمود: «...خانه خدا چون در سفیدی بود، خداوند آن را به آسمان بالا برد و اساس آن باقی بود... پس خداوند ابراهیم و اسماعیل ﷺ را مأمور کرد که کعبه را بر همان پایه های



قبلی بنا کنند».

(تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۵۵، ح ۹)

□ وجود بقایای کعبه هنگام اولین سفر ابراهیم علیه السلام به سرزمین مکه:

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ...﴾ (ابراهیم: ۳۷)

### سوگند به کعبه

□ سوگند خداوند به بیت المعمور (کعبه):

﴿وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ﴾ (طور: ۴)

این برداشت، بنابراین احتمال است که مقصود از «الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ» کعبه باشد، آنگونه که برخی از مفسران احتمال داده‌اند. (ر.ک: مجمع البیان؛ المیزان، ذیل آیه)

### شکل هندسی کعبه

□ کعبه بنایی به شکل مکعب و دارای شش سطح مربع:

﴿...هَذَا بِالْبَلَدِ الْكَعْبَةِ... \* جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ...﴾ (مانده: ۹۵ و ۹۷)

انتخاب نام «کعبه» برای خانه خدا، اشاره به شکل خاص هندسی آن است.

شایان ذکر است که طبق روایتی، از امام صادق علیه السلام سؤال شد چرا کعبه را کعبه نامیدند؟ فرمود: برای اینکه مربع است. پرسیدند: چرا مربع شد؟ فرمود: برای اینکه در مقابل بیت المعمور قرار گرفته و آن مربع است. پرسیدند: چرا بیت المعمور چهارگوش شده است؟ فرمود: برای اینکه در برابر عرش قرار گرفته است. پرسیدند: چرا عرش مربع است؟ فرمود: برای اینکه کلماتی که اسلام بر آنها استوار است، چهار کلمه است و آن: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» است (علل الشرایع، ج ۲ ص ۳۹۸)

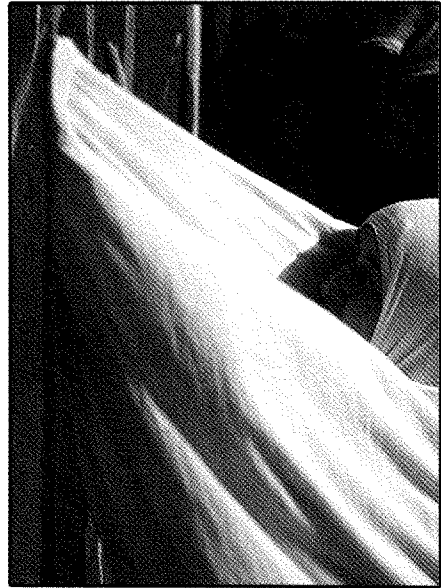
### طواف کعبه

□ طواف به گرد کعبه از واجبات الهی:

﴿...وَلِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ...﴾ (حج: ۲۹)

□ ضرورت آماده سازی کعبه و اطراف آن برای طواف:

﴿...طَهَّرْنَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ...﴾ (بقره: ۱۲۵)



﴿... وَ طَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ...﴾. (حج: ۲۶)

☐ طواف کعبه عالی‌ترین عبادت برای

افراد غیر مجاور آن:

﴿... طَهَّرْنَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ

السُّجُودِ﴾. (بقره: ۱۲۵)

﴿... وَ طَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَ

الرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾. (حج: ۲۶)

بیشتر مفسران «لِلطَّائِفِينَ» را افراد غیر

مجاور کعبه و «الْعَاكِفِينَ» را مجاوران آن

دانسته‌اند (مجمع البیان؛ جامع البیان، ذیل آیه

۱۲۵ بقره)

گروهی از مفسران بر اساس این معنا گفته‌اند: این دلالت دارد بر افضلیت طواف

بر نماز برای افراد غیر مجاور با کعبه

☐ لزوم تقدیم طواف بر نماز زیارت کعبه:

﴿... وَ طَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾.

(حج: ۲۶)

### غربت کعبه

☐ در غربت قرار داشتن کعبه پیش از سفر ابراهیم ﷺ به مکه:

﴿... وَ عَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِي...﴾.

(بقره: ۱۲۵)

از برخی مفسران نقل شده که در باره «طَهَّرَا بَيْتِي» گفته‌اند: مقصود این است که خانه

مرا از بت‌هایی که بر در آن آویخته است تطهیر نماید.

(مجمع البیان، ذیل آیه)

اگر این نقل صحیح داشته باشد، علاوه بر اینکه وجود کعبه را پیش از سفر ابراهیم

اثبات می‌کند، بیانگر این است که در آن روزگار کعبه محلّ زیارت و مرکز بت و

بت پرستان بوده است. همانگونه که در روزگار جاهلیت در درون آن، به تعداد روزهای

سال بت نگه داشته می‌شد.

☐ قرار داشتن کعبه در هاله‌ای از غربت و مظلومیت در روزگار جاهلیت و پیش از

ظهور اسلام:

﴿وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَضْيِئَةً...﴾ (انفال: ۳۵)

﴿وَإِذَا قَعَلُوا فَاجِحَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرْنَا بِهَا...﴾ (اعراف: ۲۸)

گروهی از مفسران گفته‌اند: «فاجِحَةً» در آیه بالا، اشاره است به عمل مشرکان عصر جاهلیت، که با حالت عریان، کعبه را طواف می‌کردند و می‌گفتند: خداوند ما را به این عمل فرمان داده است

و نیز ر. ک: «مناسک حج، طواف».

### قبله شدن کعبه

□ تغییر قبله از بیت المقدس به سمت کعبه (در سال دوم هجرت):

﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ...﴾ (بقره: ۱۴۴)

□ کعبه، قبله امت اسلام در هر مکان و در هر زمان:

﴿...وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ...﴾

□ کعبه قبله میانه برای امت میانه (امت اسلام):

﴿سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا... \* وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾ (بقره: ۱۴۲ و ۱۴۳)

گویا معنای «كَذَلِكَ...» این است که تغییر قبله در راستای پدید آوردن امت وسط و میانه است. در تفسیر نمونه (ج ۱، ص ۴۸۳) آمده است: قبله مسلمانان قبله‌ای میانه است؛ زیرا مسیحیان، تقریباً به سمت شرق می‌ایستادند، به خاطر اینکه بیشتر ملل مسیحی در کشورهای عربی زندگی می‌کردند و برای ایستادن به سوی محل تولد عیسی علیه السلام که در بیت المقدس بود ناگزیر بودند به سمت مشرق بایستند و به این ترتیب جهت مشرق قبله آنان بود، ولی یهود که بیشتر در شامات و بابل و مانند آن به سر می‌بردند و به سوی بیت المقدس که تقریباً در سمت غرب آنان بود، می‌ایستادند و به این ترتیب، نقطه غرب قبله آنان بود اما کعبه که نسبت به مسلمانان آن روز (مسلمانان مدینه) در سمت جنوب و میان مشرق و مغرب قرار داشت یک خط میانه محسوب می‌شد.

□ کعبه قبله مورد پسند و دلخواه پیامبر خدا ﷺ :

﴿ قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ... ﴾.

(بقره: ۱۴۴)

□ خرده گیری و شبهه افکنی سفیهان نسبت به تغییر قبله، از بیت المقدس به جانب کعبه:

﴿ سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا... ﴾.

(بقره: ۱۴۲)

□ مالکیت همه جانبه خداوند بر تمام جهت ها و مکان ها، مجوز تغییر قبله از بیت المقدس به

سمت کعبه:

﴿ سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ... ﴾.

(بقره: ۱۴۲)

□ پذیرش کعبه به عنوان قبله به جای بیت المقدس، امری بس دشوار جز برای هدایت

یافتگان:

﴿... وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا اِلَّا لِنُعَلِّمَ مَن يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلٰى عَقْبَيْهِ وَاِنْ كَانَتْ

(بقره: ۱۴۳)

لِكَبِيْرَةٍ اِلَّا عَلٰى الَّذِيْنَ هَدٰى اللّٰهُ... ﴾.

□ تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه، نعمتی بزرگ در ردیف نعمت رسالت پیامبر ﷺ :

﴿ وَاِذْ نُنزِّلُ الْفُرْقَانَ فَاَوَّلُهَا اَنَّا نَزَّلْنَاهُ عَلٰى قِبْلَتِكُمْ رَبِّكَ الْمَشْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي فُتِنَ لِلَّذِيْنَ عَلَمُوا لِيُبَدِّلَنَّا لَكُمُ الْمَشْرُقَ وَالْمَغْرِبَ... ﴾.

(بقره: ۱۵۰ و ۱۵۱)

﴿ كَمَا اَرْسَلْنَا فِيْكُمْ رَسُوْلًا مِّنْكُمْ... ﴾.

برداشت فوق، مبتنی بر این است که «کاف» در «کما» برای تشبیه باشد، براین مینا

تغییر قبله، که از آیه قبل به دست می آید «مشبه» و ارسال پیامبر «مشبه به» می باشد و

«تشبیه» مسأله قبله به نعمت رسالت، نشانگر عظمت آن است.

□ تعیین کعبه به عنوان قبله، حکمی حق (حکمت آمیز و به جا) و از ناحیه خداوند:

﴿ وَاِذْ نُنزِّلُ الْفُرْقَانَ فَاَوَّلُهَا اَنَّا نَزَّلْنَاهُ عَلٰى قِبْلَتِكُمْ رَبِّكَ الْمَشْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي فُتِنَ لِلَّذِيْنَ عَلَمُوا لِيُبَدِّلَنَّا لَكُمُ الْمَشْرُقَ وَالْمَغْرِبَ... ﴾.

(بقره: ۱۴۹)

آثار قبله شدن کعبه

□ قبله شدن کعبه، زمینه ساز هدایت انسان ها به صراط مستقیم:

﴿ سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ

(بقره: ۱۴۲)

يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ... ﴾.



☐ قبله شدن کعبه به جای بیت المقدس، سبب جدایی صفوف پیروان واقعی پیامبر ﷺ از صفوف مدعیان پیروی:

«...وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَيَّ عَقْبَتِهِ...» (بقره: ۱۴۳)

☐ تغییر قبله از بیت المقدس به جانب کعبه، منشأ اعتراض سفیهان و ایجاد سؤال برای شماری از مؤمنان:

«سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا... \* وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ...» (بقره: ۱۴۲ و ۱۴۳)

بعضی از مفسران گفته اند: پس از تغییر قبله، شماری از مسلمانان گفتند: پس اعمالی که به سمت بیت المقدس انجام داده ایم چه می شود و آنهایی که از دنیا رفتند تکلیفشان چه خواهد شد؟! خداوند فرمود: «وَمَا كَانَ اللَّهُ...» (مجمع البیان، ذیل آیه) نیز ر. ک: «فلسفه قبله شدن کعبه».

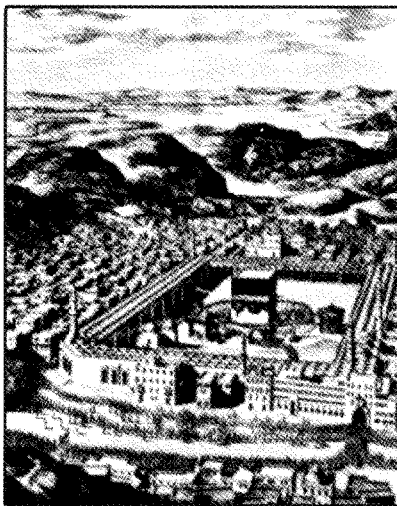
### زمینه قبله شدن کعبه

☐ علاقه و انتظار پیامبر ﷺ، زمینه تغییر

قبله از بیت المقدس به سمت کعبه:

«قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...» (بقره: ۱۴۴)

در شأن نزول آیه بالا گفته اند: پیامبر ﷺ بیشتر دوست می داشت که کعبه به جای بیت المقدس قبله باشد. حضرت به جبرئیل فرمود: دوست دارم خداوند مرا از قبله یهود به غیر آن برگرداند. جبرئیل



گفت: من بنده ای همانند تو هستم و تو نزد پروردگارت گرامی هستی. پس، از او درخواست کن. جبرئیل به آسمان رفت و پیامبر ﷺ همواره به آسمان می نگرست، به این

امید که جبرئیل خواسته‌اش را بیاورد. در این حالات بود که آیه بالا نازل شد (مجمع البیان ذیل آیه).

سبب اینکه پیامبر ﷺ به دنبال تغییر قبله بود، این بوده است که، از طرفی یهودیان از روی خرده گیری می‌گفتند: این چگونه پیامبری است که دین مستقل ندارد و به طرف قبله ما نماز می‌گزارد و از سوی مشرکان مکه می‌گفتند: او (پیامبر) از قبله آباء و اجدادی خود روی برگردانده و به طرف قبله یهودیان می‌ایستد. لذا حضرت شدیداً تمایل داشتند که کعبه به جای بیت المقدس قبله قرار گیرد تا بهانه از دست هر دو گروه گرفته شود.

### فلسفه قبله شدن کعبه

□ آموختن مدعیان ایمان و اسلام و پیروی از پیامبر ﷺ از فلسفه‌های تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه:

«... وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَيَّ عَقْبَيْهِ...» (بقره: ۱۴۳)

□ گرفته شدن بهانه از دست مخالفان و دشمنان، از حکمت‌های تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه:

«وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ...» (بقره: ۱۵۰)

□ اتمام نعمت خدا بر امت اسلام و رهنمون شدن آنان به خیر و سعادت، از فلسفه‌های قبله قرار دادن کعبه به جای بیت المقدس:

«وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ... وَ لِأَنِّي نَفَعْتِي عَلَيْكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.» (بقره: ۱۵۰)

### قبله شدن کعبه و اهل کتاب

□ آگاهی پیشین اهل کتاب از حقانیت تغییر یافتن قبله مسلمانان از بیت المقدس به سوی کعبه:

«... فَلَنُؤَيِّنَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ



شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ... \* الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ...» (بقره: ۱۴۴ و ۱۴۶)

یک احتمال این است که ضمیر «یَعْرِفُونَهُ» به قبله (امر القبله) برگردد (مجمع البیان، ذیل آیه)

### قداست کعبه

□ کعبه، دارای شرافت و ارزش خاص در پیشگاه خداوند:

«...طَهَّرْنَا بَيْتِي» (بقره: ۱۲۵)

«...طَهَّرْ بَيْتِي...» (حج: ۲۶)

«فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ» (قریش: ۳)

از اینکه خداوند با یای اضافه تشریفی «بیت» به «یا» ی متکلم، کعبه را خانه خود خوانده و نیز از اینکه خود را «رَبِّ» بیت (کعبه) معرفی کرده، استفاده می شود که کعبه در پیشگاه خداوند دارای ارزش و شرافتی خاص است.

□ کعبه خانه مقدس و دارای حرمت ویژه:

«...وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ...» (مائده: ۲)

«جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ...» (مائده: ۹۷)

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ...» (ابراهیم: ۳۷)

«وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ» (طور: ۴)

بنابراین احتمال، که مقصود از «الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ» کعبه باشد، سوگند به آن بیانگر حرمت و قداست آن است.

□ شکسته شدن حرمت کعبه از سوی مردم روزگار جاهلیت، با انجام دادن امور لغو و بیهوده در اطراف آن، به عنوان عبادت:

«وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَضْيِئَةً...» (انفال: ۳۵)

□ شکستن حرمت کعبه با انجام امور لغو و بیهوده، سبب کفر و گرفتار شدن به عذاب سخت الهی:

«وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَضْيِئَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ» (انفال: ۳۵)

□ حرمت شکنان کعبه مورد تهدید خداوند:

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَاماً لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ...﴾ \* اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ...﴾.  
(مائده: ۹۷ و ۹۸)

□ هجوم آورندگان به کعبه و حرمت شکنان آن، در معرض عذابی سخت از جانب خداوند:

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ \* أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ \* وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ \* تَزِيلُهم بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ \* فَجَعَلَهُمْ كَصَفٍ مَأْكُولٍ﴾.  
(فیل: ۵ - ۱)

□ آشکار شدن هرچه بیشترِ قداست و عظمت کعبه برای مردم جزیره العرب، پس از واقعه حمله فیل سواران و نابودی آنان:

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ...﴾. (فیل: ۱)  
﴿لِيَأْيَلِ قُرَيْشٍ \* إِيْلَاهِهِمْ رِحْلَةَ الشَّتَاءِ وَالصَّيْفِ...﴾.  
(قریش: ۴ - ۱)

□ پاسداران حرمت کعبه بهره مند از مغفرت و رحمت الهی:

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَاماً لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ...﴾ \* اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾.  
(مائده: ۹۷ و ۹۸)

می توان گفت «اعلموا ان الله شديد العقاب...» تهدید است علیه حرمت شکنان.

و «و ان الله غفور رحيم» تشویق است به حفظ حرمت مقدسات.

□ حرمت کعبه و محوریت آن برای قیام و قوام زندگی مردم، زمینه تفکر و شناخت علم بی نهایت خداوند:

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَاماً لِلنَّاسِ...﴾ ذَلِكَ لِيَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾.  
(مائده: ۹۷)

راز قداست کعبه

۵۲

□ تأسیس کعبه بر اساس توحید محض و به دور از هرگونه شرک و ناخالصی، رمز قداست و احترام آن در پیشگاه خداوند:

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً وَطَهِّرْ بَيْتِيَ...﴾. (حج: ۲۶)

□ خواست و تشریح خداوند منشأ قداست و حرمت ویژه کعبه:

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ...﴾.  
(مائده: ۹۷)



## ○ پانوشته‌ها:

۱. الكافي، ج ۲، ص ۵۹۸
۲. بقره: ۲۰۳
۳. لازم به یادآوری است که ترجمه آیات، از ترجمه قرآن کریم توسط حضرت آیت الله آقای ناصر مکارم شیرازی استفاده شده است.
۴. نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۲۸، ح ۳۷۶

